

Scientific quarterly (scientific-research article) of Islamic world political research
Vol. 15, No. 1, Spring 2025, 117-130
DOI: 10.21859/priw-150106

Mass killing of the Palestinian people from perspective of exploring the Jewish people political unconscious in victimization in Europe

Parisa Amirifard¹

Date of Received: 2024/12/14

Date of Acceptance: 2025/03/18



۱۱۷

قتل عام مردم فلسطین از منظر واکاوی ناخودآگاه سیاسی قوم ...

Abstract

The Jews that had built settlement after their migration to Europe were victimize in the European World that had stormed the entire continent. In explaining the historical development of the Jewish people based on Jewish history Freud describe the life of Jewish people as a people traumatized by it defeats. Theology prompted by the Jews against their victimize situation was return to the Sina Mountain after their dis obedience of God Order and their commitment of murder and displacement. Achievement of Grandeur and miss magnificence revise and mixer of kindness and hate makes violence efficient. When settling, fear out of trauma and God pardon after displacement is followed by a sociological complex due to their marginalization and exclusion. The present word problematizes this fear and complex in the character of the victim base on psychoanalysis, it views the victim as independent variable and the killing of the Palestine people as dependent variable.

Keywords: Jewish Fundamentalism. Citizens. Palestinian

1. Assistant Professor, Department of Political Science, Payam Noor University, Tehran, Iran ,
Amirifard.Parisa@pnu.ac.ir

 Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA...



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

قتل عام مردم فلسطین از منظر واکاوی ناخودآگاه سیاسی قوم یهود در قربانی شدن در اروپا

پریسا امیری فرد^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۸

چکیده

یهودبانی که بعد از مهاجرت از اروپا به سرزمین های اشغالی وارد و شروع به شهرک سازی برای اسکان برای ایشان شد، در اروپا قربانیان جنگی بودند که تمام اروپا را فراگرفته بود. فروید در تحول تاریخی قوم یهود در استناد به تاریخ یهود «زندگی قوم یهود را زندگی یک قوم گذشته که آنچه مغلوب شده و ناپدید شده به عنوان اثر روانی و آسیب شناختی بر روان توصیف می کند. الاهیاتی که از سوی یهودیان مورد تشویق و تبلیغ در برابر وضعیت «قربانی» بودن ایشان تبلیغ می شود «بازگشت به کوه طورسینا» بعد از نافرمانی از فرمان خداوند و ابتلا به سرگردانی، قتل و کشتار ایشان است. هنگامیکه حضرت موسی ایشان را به دلیل گناه به سرگردانی به فرمان خداوند مبتلا می کند و سپس ایشان یک بازگشت دارند. بازگشت آنچه مغلوب است و واپس زده شده اند در فرآیند آسیب شناسی روانی آهسته پیش می رود با تغییر در اوضاع زندگی و تمدن را نشانه می رود. دستیابی به بزرگی و هیبت ازدست رفته دوباره زنده می شود و «اعتقاد به مقاومت ناپذیری قدرت خدا و پیروی از اراده وی در قوم یهود» در وصال با خدای موسی که در کوه سینا نزول قانون الاهی را در پی داشت «برگرداننده ابهت خدای موسی در احساس مثبت دین یهود به خداست. آمیزه ای از مهر و کین، امیدهای استوار بر لطف و رحمت خدا خشونت را کارآمد می کرد. ایشان در وضعیت قربانی خود را با الاهیات «بازگشت» از سرگردانی و قتل عام به بخشودگی خداوند با این گره روانی در اعتقاد به سرزمین های اشغالی وارد می شوند و شروع به اسکان می کنند. کین توزی در کشتن ایشان به بخشودگی خداوند پیوند می خورد و آمیزه ای از کین توزی و لطف به زندگی ایشان وارد می شود. این ذهنیت اجتماعی در قتل عام فلسطینیان یک گره روانی است که این گره ترس از رانده شدن و آوارگی را در برابر ایشان در پی دارد. برای فرار از ترس حذف و رانده شدن به قتل روی می آورند و شخصیت قربانی از الاهیات بازگشت به طور سینا حمایت خداوند را در پی دارد. واکاوی این ترس و گره در شخصیت قربانی را مسئله این نوشتار قرار دادیم و به روش تحلیلی متغیر مستقل را شخصیت پردازی قربانی در ذهنیت اجتماعی و متغیر تابع را قتل فلسطینیان در گردآوری منابع کتابخانه ای پرداخته ایم.

واژه های کلیدی: بنیادگرایی یهودی، دین داری کین توزانه، ذهنیت اجتماعی، بازگشت، قتل

۱. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، Amirifard.Parisa@pnu.ac.ir

مقدمه

در ۱۳ نوامبر ۱۹۴۵ کمیسیون تحقیق آمریکایی - انگلیسی^۱ به شرح مصائب یهودیان اروپا و تضاد دعاوی اعراب و یهودیان از ۶ آمریکایی و ۶ انگلیسی تشکیل شد. وظیفه این کمیسیون سفر به اروپا و بررسی وضع یهودیان آنجا و عزیمت به فلسطین برای ارائه یک راه حل مورد قبول براساس نطق بوین بود. اعضا کمیسیون در ژانویه ۱۹۴۶ با نمایندگان صهیونیست آمریکا مذاکره کردند سپس به لندن آمدند تا با نمایندگان اتحادیه عرب و یهودیان تماس بگیرند. در سوم فوریه نیز به آلمان، لهستان، اتریش، یونان، ایتالیا و چکسلواکی سفر کردند تا اوضاع یهودیان را مورد بررسی قرار دهند... ریچارد کراسمن یکی از اعضا انگلیسی کمیسیون در کتابی که پیرامون مأموریت خود نوشته است می گوید اعضاء کمیسیون هیچ گونه تخصصی در مورد مأموریت خود نداشتند و از مردم کوچه و بازار بودند. لغو قانون انتقال اراضی که مانع خرید زمین از سوی یهودیان می شد و تاکید بر غیرقابل انکار بودن موطن ملی یهود از اصول دیگر گزارش بود. (احمدی، ۱۳۸۸: ۲۳۱-۲۳۲)

این گزارش ایشان را قربانیان این جنگ می دانست. حل نهایی مسئله یهود یعنی نابودی یهودیان از ۱۹۴۲ به بعد به اجرا گذاشته شد. در تمامی کشورهای اشغال شده به دست آلمانی ها، صدها هزار یهودی به آلمان یا لهستان و به اردوگاه هایی فرستاده شدند که در آن ها شرایط وحشتناک، تقریباً بدون غذا و بدون برخورداری از بهداشت، به کار اجباری گماشته می شدند و با خشونت سادیستی نگهبانان مواجه بودند. کسانی را که نمی توانستند کار کنند (سالمدان، بیماران، کودکان) یا کسانی که دچار ضعف می شدند، در اتاق های گاز خفه می کردند و جسد آنها در کوره سوزانده می شد. هدف هیتلر نابودی کامل "نژاد یهود" بود. در ۱۹۴۵ اروپا با وحشت تمام مواجه شد نه میلیون نفر که در میان شان شش میلیون یهودی وجود داشت، در اردوگاه های مرگ، از جمله آشویتس، تربلینکا، راونسبروک و غیره به این صورت وحشتناک به هلاکت رسیده اند.

(طباطبایی، ۱۳۹۴: ۲۲۷) اما هنگام انتقال ایشان از اروپا به سرزمین های اشغالی یک ترس و یک گره روانی به عنوان تروما با ایشان بود. این تروما را در این نوشتار تحلیل می کنیم. تروما قتل و به قتل رساندن فلسطینیان در پی شهرک سازی ها برای مستقر شدن. ایشان برای آنکه از اردوگاه به شهرهای فلسطین انتقال داده شوند از یک وضعیت انضباطناپذیر به وضعیت انضباط پذیر تغییر موقعیت می دادند خشونت که ترس و تروما ایجاد می کرد در یک سرگردانی بود و بازگشت به کوه طور برای ایشان یک پایان برای نابخشدگی ایشان از نافرمانی بود. نافرمانی که ایشان را به کشتار و قتل به عنوان قربانی در ذهنیتشان یک تروما ایجاد می کرد.



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های باسی جهان اسلام

۱۲۰

سال پانزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

1. Anglo-American committee of inquiry



۱. شهر و شهرک "انضباط نایذیری قوم یهود":

هنگامیکه دولت اسرائیل به شهرک سازی های در فلسطین اشغالی روی آورد انضباط بخشی و کنترل این نظم در دستور کار قرار گرفت. جماعت در سنت از گردهم آیی افراد در یک اقتصاد معیشتی با مزدوج شدن در پیشبرد تدریجی فرهنگ با جامعه شهری تفاوت دارد. این شهرک سازی ها با یک معماری انضباط بخش همراه بوده است. اگر بخواهیم همبستگی اخلاق و سیاست را در شهر دنبال کنیم باید به تاریخ مدرنیستی شهر مراجعه کنیم.

اولین شهر در اروپا از ۱۷۸۹ تا سراسر قرن نوزدهم، به واسطه مدرنیزاسیون شهری نیروهای انفجاری پدید آورده بود و به واسطه حضور این نیروها نقشی انقلابی داشت «خیابانها مال مردم بود».

در میانه قرن نوزده سبک جدید شهرسازی از فرانسه آغاز می‌شود. ناپلئون سوم که در ژوئن ۱۸۴۸ با کشتن بیست و پنج هزار پارisi به قدرت می‌رسد به ساخت و ساز شبکه وسیعی از بلوار جهت «ایجاد گذرگاههای عریض و طویل برای جابه جایی و حرکت مؤثر سربازان و توپها علیه سنگرها و قیامهای مردمی» توسط ژرژ هوسمان می‌پردازد. اما بلوارهای ناپلئون-هوسمان به تدریج «کارکردهای اقتصادی- اجتماعی و زیباشناختی جدیدی» برای تغییر علائق مردمان انقلابی فراهم می‌کند و «تا دهه ۱۸۸۰ طرحهای هوسمان در همه جا به عنوان الگوی اصلی شهرسازی مدرن» پذیرفته می‌شود و برای کلیهی شهرهای نوپا و رو به گسترش گوشه و کنار جهان الگو قرار می‌گیرد. (برمن، ۱۵۷-۲۰۹: ۱۴۰۳).

بنابراین، شهرها ابتدا از دغدغه‌های انقلابی تهی شدند و در مرحله بعدی سیاست‌های بعدی به رفع ناسازگاری‌های شخصی و اجتماعی معطوف شد. پس در شهرها به منظور انضباط و کنترل نظم سیاست از چهره شهر کنار گذاشته شد. در این میدان بازی، «از کودکان شروع می‌شد آنها از پدر مادرهایشان جدا می‌شدند و به راحتی شستشوی مغزی می‌شدند» (آرنت: ۲۳۲، ۱۴۰۴).

در آلمان، به گفته آرنه نظام آموزش و تربیت در شهرها نقطه گرانیگاه نظام فاشیستی است که آموزش ایدئولوژیک را به عهده داشت. کودکان در این نظام به منزله «شهروندان آلمان شهر فردا تربیت می شدند» و به دسته‌های «با استعداد و بی استعداد» تقسیم می شدند (پیشین: ۲۳۳). وی اذعان می دارد که میان از دست رفتن اتوریته در زندگی سیاسی و همگانی، و از دست رفتن اتوریته در قلمرو خصوصی پیش سیاسی خانواده و مدرسه، ارتباطی وجود داشته است (پیشین: ۲۴۹).

اما انضباط در آموزش و تربیت کودک پهلوی در شهر چگونه برای او درونی می شود؟ ابتدا یک

قتل عام کننده که ترس شدیدی ایجاد می کند و کنترل آموزش و انضباط را در شهر برعهده دارد تربیت و آموزش این کودک یهودی را برعهده دارد.

در پاسخ به انضباط شهر هیتلر پیشوا است و آموزش کنترل اصلی را برعهده دارد. آموزش مرکز ثقل نظام فاشیستی است و این نظام اتوریته خود را از طریق آن بازتولید می کند. رادیکالیسم در شکل محافظه کاری نو و نگرشهای محافظه کارانه و جامعه ناامید و عاصی در پرسوناژ به ژستهای انقلابی پیشوا در آلمان بدل شد و در نسخه شهرک سازی های در حال پیشرفت، محافظه کاران با ایجاد تقابلهای نو و کهنه یا قدیمی در برابر نو موجی از رادیکالیسم را ترغیب کردند. ذیل این سیاستهای فرهنگی «کودک نو و انقلابی» تولید شده و «عمل باوری» در تقابل نو و کهنه، موجد «اصول عقیدتی» می شد که «سلطه های هراس آور» را ایجاد می کرد.

هیتلر در ساخت شهرک های جدید با الگوی نظام سرمایه داری پیش می رفت. سیاستهای فرهنگی نژادی او در اسکان دادن در شهرهای جدید و شهرک ها در برابر یهودیان که از خالص سازی بدن هر مرد و زن آغاز می کند و به خالص سازی بدن ملی می رسد: «خالص سازی بدن ملی به معنای پاکسازی آن از تأثیرات شوم سیاسی و بیولوژیکی است که شهرها همچون لانه های فسق و فجور، آشوب گری و فساد نژادی هم در بر دارنده آنهاست و هم باز نماینده شان» (پیشین، ۹۶).

چرا شهر می باید تنها محل اعمال اخلاق تحکم آمیز هیتلر باشد نه سیاست؟

اعمال کنترل هیتلر بر جامعه آلمانی با قبضه کردن وجوه شخصی زندگی انسانی همراه است. هیتلر نوعی اخلاق جنسی "نژادی" را با هدف حفظ و بهبود خصایص موروثی مردم آلمان طبق سیاست کنترل توالد و تناسل با کمک دستاوردهای زیست شناسی انجام می دهد.

در ۶ ماه می ۱۹۳۳، نازیها به موسسه یکی از محققان امور جنسی یهودی نشین حمله می کنند و در روز بعد در روزنامه ها اعلام می کنند که «مصمم شده اند تا فساد و امور مستهجنی که به واسطه وی و امثال او در جامعه آلمانی رواج داده می شود، پاکسازی کنند. محافظه کاران آلمانی این اقدام نازیها را تایید کرده و با آنها در پالایش فرهنگ آلمانی از فساد اروتیک هم صدا می شوند» (Weikart, 2009:122).

سیاست کنترل زندگیکهای جنسی آلمانیها طی سخنرانی محرمانه هیتلر در جمع رهبران حزب نازی در نوامبر ۱۹۳۷ این گونه بازگو می شود: امروز ما ادعا می کنیم که رهبر Volk هستیم: صاحب حق و نقش اول راهبری Volk یعنی به معنای دقیق کلمه هر مرد و هر زن، روابط میان دو جنس همان چیزی است که ما نظم خواهیم بخشید. ما کودکان را می سازیم (ibid, 123).



پیگیری این سیاست‌های مورد حمایت ویژه هس و آیشمن، با توجه به امکاناتی که علم ژنتیک کاربردی در اختیار آنها می‌گذاشت در قالب نوعی اخلاق آموزش داده می‌شد. به گفته هیتلر در کتاب دوم نبرد من «ایده پالایش جنسی به تبعیت از قانون طبیعت و بیانی دیگر از قانون جهان شمول الوهی» بود که «برای سربازان آلمانی نوعی دستورالعمل یگانه ساز و تنظیم گر بود». یهودی‌ها نژاد پست بودند.

پس مسئله در مهندسی بدن در دولت فاشیستی پیچیده‌تر می‌شود، شهرها محل پالایش یهودیان تحت کنترل موالید ایشان به عنوان سیاست‌های دولتی بر جامعه حکم می‌شود و از سوی نازیها حمایت می‌گردد.

حل نهایی مسئله یهود یعنی نابودی یهودیان از ۱۹۴۲ به بعد به اجرا گذاشته شد. در تمامی کشورهای اشغال شده به دست آلمانی‌ها، صدها هزار یهودی به آلمان یا لهستان و به اردوگاه‌هایی فرستاده شدند که در آن‌ها شرایط وحشتناک، تقریباً بدون غذا و بدون برخورداری از بهداشت، به کار اجباری گماشته می‌شدند و با خشونت سادیستی نگرهبانان مواجه بودند. کسانی را که نمی‌توانستند کار کنند (سالمندان، بیماران، کودکان) یا کسانی که دچار ضعف می‌شدند، در اتاق‌های گاز خفه می‌کردند و جسد آنها در کوره سوزانده می‌شد. هدف هیتلر نابودی کامل "نژاد یهود" بود. در ۱۹۴۵ اروپا با وحشت تمام مواجه شد نه میلیون نفر که در میان‌شان شش میلیون یهودی وجود داشت، در اردوگاه‌های مرگ، از جمله آشویتس، تربلینکا، راونسبروک و غیره به این صورت وحشتناک به هلاکت رسیده‌اند. (طباطبایی، ۱۴۰۰: ۲۲۷)

کودک یهودی در نقش هیتلر برای تعلیم و تربیت او در شهر با سیاست فرهنگی که از سوی نازی‌ها حمایت می‌شود به صورت نژاد پست در جامعه در فرآیند انضباط پذیری در شهر مورد پالایش قرار می‌گیرد. ترومای ترس و وحشت از کودکی قربانی آغاز می‌شود و یک گره در شهر برای انضباط پذیری او ایجاد می‌کند.

هویت سیاسی جدید یهودیان در ساختن شهرک‌ها بعداً به دست ایشان با "یادآوری گذشته به درون تعاملی که افراد هرچه بیشتر گسیخته‌تر هستند در مفهوم "تاریخ" و "پدر" تحقق غایی شخصیت را می‌یافت. "خاطره‌های روزمرگی زندگی با ضد یادآوردن یعنی فراموش کردن، قطعه‌هایی از گذشته را به یاد می‌آورد به فرآیند تعاملی وضعیت کنونی اش با تاریخ پیوند می‌زد" حافظه باید تغییر می‌کرد و یادآوردن خاطرات تعامل دیگر با قطعات می‌یافت به شکل پیوند گذشته و آینده و self تولد می‌یافت. (مسمی پرست، ۱۳۸۸: ۱۲۶-۱۲۷) قساوت‌های جنگ، وحشت، نسل‌کشی و خشونت مفهوم "هرزه‌نگاری ویرانه‌ها" که پالایش و سیاست فرهنگی کنترل موالید یهودیان را در پی داشت با تغییر و امکان تخیل مجدد تاریخ و اعمال خوانش‌های عقلانی و اخلاقی تجدید شده را امکان‌پذیر می‌کند.

ویرانه "مبتنی بر مفاهیم تاریخی طرد" است و قدرت فراروی به طرد نسبت داده می شود و نظم را می تواند بی ثبات کند. "حضور شبه وار مرگ به قاب بینامتنی در ترکیب گزینش های "خود" و زیبایی شناسی شدن تبدیل می شود. فراخوانی مرگ به وسواس انزجارآمیز ما درباره مرگ "نه هنر و نه ارتباط" یک ارجاع است. (فیروزآبادی، ۱۴۰۰: ۱۴۵-۱۴۸) "خود" در ویرانه ها با یاد مرگ و تجربه فراموشی و ارجاع به گذشته به مثابه تاریخ و پدر تاریخ یک ارجاع به دین و نمادهای دینی دارد.

۲- تروما و ترس در سائق مرگ و زندگی در هویت قربانی یهودی:

در ۱۹۳۰ فروید نوشت دو نیروی متخاصم در روان نوع بشر که غالب شدن یکی بر دیگری سرنوشت تمدن را تعیین خواهد کرد. این دو نیرو طبق نظریه فروید از سایق عشق و سایق تخریب (مرگ) نشات می گیرند. هیتلر در ۱۹۳۰ در انتخابات پارلمانی به قدرت رسید و فروید این به قدرت رسیدن را میان این دو سایق در جنگ می دید. او در این شرایط آسیب روانی را اختلال گر "من" ما می بیند که ثابت نیستند. وی ، رابطه میان آسیب های روانی نورزها در وضعیت اضطراب را با شکل گیری فرامن توضیح می دهد. ملال ناشی از اضطراب در وجدان، احساس تقصیر، نیاز به کیفر و پشیمانی در فرامن که ارزیابی میان کوشش های من و مطالبات فرامن و ترس را از مقام انتقادکننده و نیاز به کیفر تحت تاثیر فرامن، تظاهرات غریزی من را سادیستی مازوخیست کرده و سایق درون من را با هدف تخریب درون در جهت وابستگی اروتیک به فرامن به کار گرفته می شود. ترس در آگاهی به تقصیر در وجدان در ترس از مرجع بیرونی اقتدار که ترس از کیفر را ایجاد کرده، میل را دچار تعارض می کند که می خواهد خود را ارضا کند و ممانعت از آن میل به پرخاشگری را ایجاد می کند. ... این تعارض پسپکوانالیز است که خشونت را بازتولید می کند زیرا ترس و اضطراب از مرجع اقتدار کیفر و مجازات را دارد و تاریخ شکل گیری این فرامن محرومیت از ارضای سایق از ترس مرجع اقتدار بیرونی کیفر و مجازات است. (مبشری، ۱۳۸۴: ۱۱۰-۱۱۱)

این هویت در مقابل قدرت تاریخی -روانی یک آلمانی است. سیاست ناسیونال سوسیالیست هیتلر در ۱۹۴۰ "فراخوانی انگاره ها" ارزش ها و عمل و ضرورت روان "یک سیاست است.

به طور خلاصه، کشتار یهودیان در اروپا، سایه مرگ، آسیب های روانی بر قربانی شدن در جنگ، تصویر ویرانه های زندگی یهودی پرورنده هویت سیاسی-دینی جدیدی شد که "خود" ایشان با سیاست های کمیسینون انگلیسی-آمریکایی در انتقال به سرزمین فلسطین "در تاریخ" عزیمت از مصر در برگزیده شدن هنگام آوارگی در بیابان های مصر در صحرای سینا با یک خشونت، عدم التزام و یک ارجاع به دین



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیت نرسانت العالم الاسلامی
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای بای جهان اسلام

۱۲۴

سال پانزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴



پرورش یافتند. دین حلقه پیوند گذشته به آینده در هنگام آوارگی بود و باورهای عمومی به کمک تبلیغات تصویری در مطابقت جنگ زدگی و عینیت آوارگی ایشان مرگ و زندگی را با پوچ انگاری پیش می برد. اپیکور بایستی پیروز می شد،... یهودی در کمال خود و یهودی سرگردان تمام عیاری شد ... به یاری یک جنبش کوچک مسلکی که در حاشیه یهودیت باشد می توان آتش "حریق جهانی" را شعله ور ساخت "... رستگاری از آن یهودیان است". (دستغیب، ۱۳۸۵: ۱۲۴).

پوچ انگاری با سرمایه که یک شانس است برای شروع زندگی مجدد، خشونت و عدم التزام از مختصات الهیاتی است که نیاز به صدق هم ندارد. اراده معطوف به قدرت در تغییر کلیه ارزش ها یک فرصت برای زندگی مجدد در روند آسیب های روانی است. این الهیات معطوف به یک الهیات شانس در پرتاب تاس است. در پیشدستی وقوع حوادث تقارن و مقارنه دیده می شود و این اقبال و شانس است. این پوچ انگاری در الاهیات شانس با اپیکور هم داستان است.

شکل گیری هویت سیاسی یهودیان در هنگام انتقال به سرزمین های فلسطینی در موجی از نیست انگاری، تحریف و جهت دهی آموزه ها و یک متافیزیک که پروراندن خود در ارجاع به گذشته برای پیوند به آینده در صحرای سینا که قوم بنی اسرائیل به قوم برگزیده بدل شد یک سیاست و الاهیات بود. وحدت گروهی در رجعت، سازماندهی اردوگاه های اجباری و فرستادن یهودیان به فلسطین با پشتیبانی صورت گرفت. واقعیت های زندگی یهودیان در اروپا و پشتیبانی ایشان از سوی رهبران صهیونیست در امریکا با این گزاره مواجه بود که حقیقت زندگی و واقعیت کشتار یهودیان را "از کجا می دانید؟" آسیب های روانی قربانیان در پوچ انگاری و اراده معطوف به قدرت و تغییر کلی ارزش ها در شکوه هیتلری آلمان، پروراندن درون نگری و هویت سازی جدید یهودیان بود. "مرگ و غروب" واقعیتی عینی در زندگی روزمره یهودیان بود. هنوز تفاوت بین آنچه از امور به نظر ما می آیند و امور در واقع چگونه اند تمایزی مبهم ایجاد نمی کرد. این تمایز هنگامی ایجاد می شود که واقعیت را در تفاوت با آنچه ادراک می شود ببینی. توصیف از یک واقعیت با عینیت یک واقعیت تفاوت ندارد.

"نخستین تصاویر تجربه مهاجران یهودی در آمریکا در عکاسی و تصویر "بخش یهودی نشین نیویورک را محل فقر، کثافت، جهل و بی اخلاقی (مرکز کارگاه های بهره کشی، زاغه های اجاره ای، روسپی خانه ها) می دانند که ساکنانی عجیب و نفرت انگیز دارند. شکل گیری و نضج تدریجی آگاهی عمومی یهودیان "از میان زنان صهیونیست در بریتانیا، ریکا سیف توانایی برانگیختن تخیلات زنان عادی یهودی، اتحادیه بین المللی بانوان صنف پوشاک در تلاش برای ارائه تصویر مثبتی از الگوهای ملی در

میان پیروان، و پوشاک ایشان از ۱۹۰۹ داشتند. در صهیونیسم در سال های بین دو جنگ هنری تاسولد برنامه و تولیدات انجمن انتشارات یهودی آمریکا را سازماندهی کرد. "تصاویر در شکل گیری هویت سیاسی یهودی نقش اصلی را داشتند. جنبش یهودیان با نمادهایی که در تشکیل هویت سیاسی خود به عنوان قوم ساکن و رجعت پیدا کرده در فلسطین، مهاجران یهودی را با استفاده از سیاست تصویر به نوعی نقشه قومی ترسیم می کرد که تاکنون توجه نشده است و کاربرد گرافیک و عکاسی را در حوزه تغییر فرهنگ عامه در میان جامعه یهودی ترغیب می کرد. (خاکباز، ۱۳۹۱: ۲۰۴-۲۲۶)

تبلیغ الاهیات بازگشت از گناه قوم یهود در صحرای سینا در هنگام انتقال:

در ۱۳ نوامبر ۱۹۴۵ کمیسیون تحقیق آمریکایی- انگلیسی^۱ به شرح مصائب یهودیان اروپا و تضاد دعاوی اعراب و یهودیان از ۶ آمریکایی و ۶ انگلیسی تشکیل شد. وظیفه این کمیسیون سفر به اروپا و بررسی وضع یهودیان آنجا و عزیمت به فلسطین برای ارائه یک راه حل مورد قبول براساس نطق بوین بود. اعضا کمیسیون در ژانویه ۱۹۴۶ با نمایندگان صهیونیست آمریکا مذاکره کردند سپس به لندن آمدند تا با نمایندگان اتحادیه عرب و یهودیان تماس بگیرند. در سوم فوریه نیز به آلمان، لهستان، اتریش، یونان، ایتالیا و چکسلواکی سفر کردند تا اوضاع یهودیان را مورد بررسی قرار دهند... ریچارد کراسمن یکی از اعضا انگلیسی کمیسیون در کتابی که پیرامون ماموریت خود نوشته است می گوید اعضا کمیسیون هیچ گونه تخصصی در مورد ماموریت خود نداشتند و از مردم کوچه و بازار بودند. لغو قانون انتقال اراضی که مانع خرید زمین از سوی یهودیان می شد و تاکید بر غیرقابل انکار بودن موطن ملی یهود از اصول دیگر گزارش بود. (احمدی، ۱۳۸۸: ۲۳۱-۲۳۲)

فروید در تحول تاریخی قوم یهود در استناد به تاریخ یهود "زندگی قوم یهود را زندگی یک قوم گذشته که آنچه مغلوب شده و ناپدید شده به عنوان اثر روانی و آسیب شناختی بر روان توصیف می کند. در قالب روحی و روانی انتقال فردی این گذشته در قالب روحی و روانی به توده کار آسانی نمی بیند. بازگشت آنچه مغلوب است و واپس زده شده اند در فرآیند آسیب شناسی روانی آهسته پیش می رود با تغییر در اوضاع زندگی و تمدن را نشانه می رود. دستیابی به بزرگی و هیبت ازدست رفته دوباره زنده می شود و "اعتقاد به مقاومت ناپذیری قدرت خدا و پیروی از اراده وی در قوم یهود" در وصال با خدای موسی که در کوه سینا نزول قانون الاهی را در پی داشت "برگرداننده ابهت خدای موسی در احساس مثبت دین یهود به خداست.



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی- پژوهشی
پژوهش های بانی جهان اسلام

۱۲۶

سال پانزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

1. Anglo-American committee of inquiry



آمیزه‌ای از مهر و کین، امیدهای استوار بر لطف و رحمت خدا خشونت را کارآمد می‌کرد. ترک روزافزون لذات غریزی و پرهیز اخلاقی و زهد دستیابی به قله‌هایی که هیچ یک از اقوام دیگر به آن دست نیافته بودند، بازگشت دوباره دین را مطرح می‌کرد. (نجفی، ۱۳۸۹: ۱۷۲-۱۷۴) فروید این حالت روانی را ناشی از تضاد میان خدای موسی به عنوان خدای دین یهود و خدای موسی به عنوان خدای مصر می‌داند. به دلیل دستکاری‌های تحریف‌کننده که قوم یهود در قبیله‌های اسکان یافته در پرداختن به جسمانیت در واقع، در مواجهه با فاشیسم پیشوا، "لیبرالیسم اقتصادی ایمانی تمام عیار به رستگاری ناسوتی انسان از راه بازار خود تنظیم‌گر را بسط داد و راه حل فاشیستی اصلاح اقتصادی بازار در قرن بیستم، به هزینه ریشه‌کنی همه نهادهای دموکراتیک تحقق یافت، هم در حوزه صنعتی و هم در قلمرو سیاسی. از این رونظام اقتصادی که در معرض خطر فروپاشی بود احیا می‌شد،... وجود جنبش فاشیستی از مهمترین نشانه‌ها بودند که از اشاعه فلسفه غیر خردگرایانه، زیبایی‌شناسی نژادگرایانه، عوام‌فریبی ضد سرمایه‌دارانه، دیدگاه‌های دگر اندیشانه درباره پول رایج، انتقاد از نظام حزبی، تحقیر پر دامنه رژیم (پولانی-۴۱۶، ۲۶۳-۴۱۷: ۱۳۹۱) حمایت می‌کردند.

خدای تجارت نیهیلیسم و پوچی انگاری را با الگوی جدید زندگی پوشش می‌دهد:

ترومای ترس و گره روانی سیاست‌های هیتلر در آلمان در انضباط پذیر کردن یهودیان در شهرک‌ها و اسکان دادن ایشان با سیاست فرهنگی کنترل مولید در نژاد پست، نظام آموزش و تربیت را در اختیار داشت و این تروما در ترس از کشته شدن و قتل در سائق مرگ و علاقه به زندگی، با یک الاهیات در نافرمانی قوم یهود از خداوند در بازگشت به طور سینا به همراه وعده خدای بازار جهت پیشرفت و تحقق وعده‌رهایی اتفاق افتاد. خدای بازار به ایشان وعده لذت و رهایی از ترس و اضطراب را می‌داد. هویت ایشان بر اساس این تروما در وضعیت دوگانه سائق مرگ/رنگی و منطق میل گرفتار شد. الاهیات بازگشت تبلیغ میشد و سرگردانی رو به پایان بود.

مهندسی اجتماعی بدن و این نوع از مواجهه با میل در غرب دارای خاستگاههای مسیحی است که هویت افراد را شکل می‌دهد و آنها را راهبری می‌نماید. به عبارتی «پیشرفت نوعی وعده است و ساماندهی میل بر مبنای درکی از رستگاری (خدا/بازار) استوار است» و نیروهای بازار تحقق وعده پدر (خدا/بازار)^۱ را امکان پذیر می‌سازند (Beard, 2007: 17).

گرفتارکردن میل - لذت در بازار و تجاری کردن شهرک ها در فقدان میل در برابر پاکسازی پیشوا تقدیس می شود، با ریشه های دینی همراه می شود. ترومای ترس در ریشه دینی بازگشت از سرگردانی به طور سینا مواجهه با میل را در ریشه های دینی و ادبیات بازگشت قرار می دهد. به عبارتی، تحقق وعده رستگاری پدر در گرو تحقق آزادسازی بازار است که در نهایت منطق میل را دچار وضعیت دوگانهای می سازد.

میلی که در شهرک های آلمانی گرفتار و اسیر در حلقه انضباط بخشی و کنترل در شهر قرار می گیرد در ریشه های دینی وعده رهایی بخشی خدای بازار بنیادگرایی به پایان جامعه بحران اضطراب و ناامنی حاصل از قتل عام در ساخت جامعه می رسد و با الاهیات رهایی بخشی مسیحی قربانی تقدیس و غسل تعمید داده می شود. ریشه الاهیات غسل تعمید در تقدیس به راهبان کلیسا در طی قرنهای ۱۶، ۱۷ و ۱۸ باز می گشت. راهبان کتابچه های را برای راهنمایی افراد مسیحی با موضوع تأثیرات گناه بر زندگی و تعلیم فضیلت به ایشان با مورد بررسی قرار دادن گناهان بدنی منتشر کردند. نتیجه این اقدام آنها در رفتارهای تجویز شده در دستورالعمل، تغییری بود که در معنای گناه اتفاق افتاد:

«گناه به جای معنای دوری و بیگانگی انسان از خدا به مفهومی انتزاعی و عینی برای دانش تبدیل شد، و این از تبعات تفکیکی بود که بدن را موضوع قرار می داد. اکنون افکار، امیال و اعمال منتج به گناه کاملاً مشخص شده بودند و افراد گناهکار می باید جریمه خطاهای -شان را در مواجهه های این جهانی و در همین زندگی پرداخت می کردند. نتیجه آنکه، مفهوم درخواست بخشش از خداوند موضوع عدالت کیفری و جزایی قرار گرفت، مفهومی که از گناه شخص به معنای دقیق کلمه متمایز شد» (Ibid: ۳۲).



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های پای جهان اسلام

۱۲۸

سال پانزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

نتیجه گیری :

مهندسی اجتماعی اسکان دادن قوم یهود با پاسخ دادن به سیاستی فرهنگی تاریخ سازی ثروت و علم در بشریت را برای افتخارات ایشان ریشه های تاریخی و الیهاتی می دهد نوعی مهندسی اجتماعی فرهنگی در پاسخ به جهان سرمایه داری برای هویت سازی ایشان ایجاد می کند. تکه تکه شدن فرهنگ و تاریخ یهود در مهندسی اجتماعی و فرهنگ سازی و تاریخ سازی براساس مولفه های انضباط بخش جدید ایشان را در یک سکولاریسم و رادیکالیسم قرارداد است که این رادیکالیسم با سیاست زدایی از شهرها همراه است. شهرها خدای بازار و سرمایه را تبعیت می کنند خدای بازار/تجارت انباشته از فرصت و ثروت هستند و دشمن این خدای بازار باید توسط نظم دهنده شهر از بین رود. مانعی که در برابر استقرار نظم جدید در شهر است از بین می رود.

ترومای قتل یهودیان و ترس از کشته شدن در سائق مرگ توسط هیتلر با هویت ایشان در سرزمین های اشغالی در ذهنیت اجتماعی و ناخودآگاه سیاسی ایشان یک گره روانی ایجاد کرد که قتل را در کانون دارد. الیهات بازگشت و غسل تعمید جهت تقدیس قوم یهود در بازگشت هم از الیهات مسیحی ریشه می گیرد. این تروما با ادبیات بازگشت از سرگردانی به طور سینا در قتل یک انگاره تحت تاثیر سیاست های فرهنگی انضباط دادن ایشان در شهرک ها در آلمان بود و نسلی که نیم قرن انتقال را دنبال می کرد از این ترومای قربانی رنج می برد.

روانکاوی این تروما با الیهات سرمایه داری که وعده رهایی بخشی در سوداگری تجارت و انباشت ثروت را می دهد در تاریخ یهود، نشانه ای از وعده نجات بخشی خدا در بازگشت از سرگردانی و کشتار است.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های بانی جهان اسلام

منابع فارسی:

- باتای، ژرژ. روان شناسی فاشیسم. ترجمه سمانه مرادیانی، انتشارات بیدگل. سری چاپ ششم: ۱۴۰۴
برمن، مارشال. تجربه مدرنیته. مرادفرهاد پور. انتشارات طرح نقد. سری چاپ هشتم. ۱۴۰۳
آرت. هانا. توتالیتاریسم. ترجمه محسن ثلاثی. انتشارات ثالث. سری چاپ سی و چهارم. ۱۴۰۴
طباطبایی. سید محمد. سیاست و حکومت در اروپا. انتشارات سمت. سری چاپ ۲. ۱۴۰۰
احمدی. حمید. ریشه های بحران در خاورمیانه. انتشارات کیهان. سری چاپ ۲. ۱۳۸۸
فروید، زیگموند. موسی و یکتاپرستی. ترجمه صالح نجفی. نشر نی. سری چاپ ۹. ۱۴۰۴
مبشری، محمد. تمدن و ملالت های آن. انتشارات ماهی. چاپ ۱۶. ۱۴۰۴
بدیو، آلن. فلسفه. هنر. سیاست. عشق. ترجمه فرهادپور. ۱۳۸۸
پولانی، دگرگونی بزرگ. ترجمه محمد مالجو. انتشارات شیرازه. سری چاپ ۵. ۱۴۰۲



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های سیاسی جهان اسلام

۱۳۰

سال پانزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

به این مقاله این گونه ارجاع دهید:

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۵۰۱۰۶

امیری فرد، پریسا (۱۴۰۴)، «قتل عام مردم فلسطین از منظر واکاوی ناخودآگاه سیاسی قوم یهود در قربانی شدن در اروپا» فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام، س ۱۵، ش ۱، بهار ۱۴۰۴، صص ۱۳۰-۱۱۷.